

تاثیر متقابل محیط در نیازهای رفتاری انسان در طراحی داخلی

مرضیه اله دادی

عضو هیات علمی گروه طراحی صنعتی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء (س)، ایران

Email: m.allahdadi@alzahra.ac.ir

چکیده

با توجه به اینکه در میان نظریه های مختلف، محیط بیشتر به عنوان عاملی تاثیر گذار بر رفتار انسان فرض می شود. با پیشرفت دانش روان شناسی محیطی دیگر انسان و رفتار او متأثر از محیط نیستند. بلکه بر روند شکل گیری محیط اثر متقابل دارند. دلیل این موضوع این است که شخصیت و رفتار انسان بحثی روان شناسی محیطی است و اگر می خواهیم رفتار انسان را در مقابل محیط بفهمیم باید ابتدا ذهن و عین را در منظره درک کنیم. با شناخت خصوصیات فردی و با استفاده از رفتارهای آشکار محیطی می توانیم دریابیم که افراد رفتار و منش هایی دارند که به طور مشخص نتیجه تقابل بین محیط و فرد است. موضوعاتی همچون خلق فضاهای زیبا و آرامش بخش تامین امنیت روحی و روانی افراد و نیز چگونگی تاثیر آن بر روحیات و شخصیت افراد مختلف مربوط می شود. به همین دلیل رعایت نکات روان شناختی در طراحی ها امر بسیار مهمی است که نباید نسبت به آن بی توجه بود. نتایج حاضر مبین آن است که طراحی معماری و دکوراسیون داخلی علاوه بر اینکه می بایست بر اساس اصول علمی طراحی شوند اما طراحی معماری داخلی چه از لحاظ ساخت و چه از لحاظ تزئین نیازمند دقت بر ماهیت انسان و نوع رفتار و تاثیر گرفتن آن از محیط و بلعکس باشد. به این معنا که بر مبنای تمایلات و روحیه انسان و در راستای نیازمندی های محیطی باشد.

واژگان کلیدی: طراحی داخلی، نیازهای رفتاری، روانشناسی محیطی.

مقدمه

ارتباط فضایی میان افراد، سیستمی است پیچیده به این دلیل فضای معماری نمی تواند تنها با توجه بر محاسبات ریاضی طراحی شده باشد بلکه لازم است طرح فضا به ترتیبی باشد که تمامی ارتباطات اجتماعی-روانی انسان ها تقویت شوند یا اینکه لاقبل برای آن ها مزاحمتی ایجاد نشود. روانشناسی محیطی در حقیقت در جهت خلق تئوری های تجربی است که حاصل مشاهدات رفتارهای انسان در محیط روزمره و بوم او است آن هم به گونه ای که این تئوری ها بتوانند مورد استفاده طراحان قرار گیرند. روان شناسی محیطی به رفتارهای مرتبط با محیط می پردازد. مفاهیم مربوط به محیط و اولویت های زیبایی شناختی مورد مطالعه قرار گرفته و در قالب نقشه های رفتاری نشان داده شده اند. محیط انسان در سطوح مختلفی رفتار او را تحت تاثیر قرار می دهد.

ماهیت روان شناسی محیطی و کاربرد آن

انسان با توجه به نیازها، ارزش ها و هدف های خود محیط را دگرگون می کند و به طور متقابل تحت تاثیر محیط دگرگون شده قرار می گیرد به ویژه فن آوری پیشرفته موجب می گردد. تاثیر انسان بر محیط شدت و سرعت یابد. برخی این دگرگونی سریع محیط را مخرب و موجب انحلال در نظام زیست محیطی (انسان-محیط) می دانند و بر این نکته تاکید دارند که هر نوع دگرگونی اساسی و عمیق در محیط طبیعی، باید با توجه به تاثیر بلند مدت آن بر انسان و پیش بینی نتایج مثبت و منفی آن انجام گیرد. دگرگونی سریع محیط از ویژگی های بنیادی دوران اخیر است. هر روز شهرها و محله ها و بناهای جدید ساخته می شود. این گونه (موقعیت های کالبدی) برخی الگوها و معیارهای رفتاری را تقویت و برخی را تضعیف می نمایند و به طور خلاصه جهت و ابعاد جدیدی به رفتار ساکنان خود می بخشد. (مرتضوی، ۱۳۸۰، ۲)

در زمینه اهمیت توجه به روانشناسی در معماری باید اشاره شود که عموم جامعه های انسانی در گذشته، فرهنگی منسجم و نوعی رابطه اجتماعی نسبتا روشن با نهادها و ساختارهای اجتماعی داشتند، که در طول زمان چندان دگرگون نمی شد و به همین سبب آگاهی از دانش ها و تخصص های مربوط به بسیاری از هنرها، از جمله هنر معماری، طی روندی تجربی میسر بود. معماران ورزیده حتی بدون آموزش های رسمی می توانستند پس از سپری کردن همه مراحل تجربی و کسب اطلاع از دانش های معمول و مرتبط با هنر معماری و دستیابی به مرتبه استادی، که غالبا طی فرآیندی طولانی صورت می پذیرفت، بر اطلاعات و تجربیات لازم و ضروری برای ابداع و خلاقیت دست یابند.

دانش روانشناسی به ویژه روان شناسی معماری و محیطی از جمله دانش هایی است که متأسفانه تاکنون به صورت تخصصی و حرفه ای در ایران مورد توجه قرار نگرفته است در حالی که اگر چه نه در همه انواع فضاهای معماری اما مطمئنا در طراحی برخی از انواع فضاها بسیار ضروری و لازم است.

برای نمونه اگر فضای یک مهدکودک یا دبستان یا دبیرستان و سایر مراکز آموزشی، در طراحی مورد نظر قرار گیرد، کمتر ممکن است طراح به این مساله توجه کند که روحیه، رفتار و خصوصیات روانشناسانه کودکان کردستان، بلوچستان، آذربایجان، خراسان، فارس و سایر مناطق قومی، فرهنگی، اقلیمی ایران، لزوما یکسان نیست و این نکته در طراحی فضاهای معماری مدارس می تواند نقش مهمی داشته باشد.

در میان نظریه های مختلف محیط بیشتر به عنوان عاملی تاثیرگذار بر رفتار انسان فرض می شود. با پیشرفت دانش روان شناسی محیطی دیگر انسان و رفتار او متأثر از محیط نیستند بلکه بر روند شکل گیری محیط اثر متقابل دارند. در زمینه تاثیر محیط و معماری بر رفتار می توان به ۳ دیدگاه اشاره کرد:

۱-جبری نگری معماری: از این دیدگاه معماری و محیط اطراف دلیل بروز رفتار در فرد خواهند بود.

۲-اختیاری نگری محیطی: در این دیدگاه انتخاب فرد باعث بروز رفتار خواهد بود.

۳-احتمالی نگری محیطی: این نگرش حد وسطی از دو دیدگاه قبل است.

استرس

استرس زاهای محیطی نسبت به محیط های استرس زا دارای وجوه معین تر و بررسی شده تری هستند. عواملی که موجب می شود محیط به نظر انسان استرس زا باشد دو دسته هستند:

۱-عواملی که در میان همه افراد تقریباً مشابه هستند فضاهایی که در آن ها فرد با کمبود اطلاعات دریافتی یا افزایش بیش از حد اطلاعات رسیده به سیستم عصبی رو به رو می شود و در نتیجه اختلال در فرآیند ادراک به وجود می آید. عدم شناخت از محیط اطراف باعث ایجاد استرس خواهد شد، یا به تجربه ثابت شده هر گاه انسان در موقعیتی قرار بگیرد که احساس کند توانایی کنترل بر آن را ندارد، یا حتی این قابلیت را که بتواند آن را پیش بینی کند از دست داده، دچار استرس خواهد شد. (پالاسما، ۱۳۸۸)

۲-عواملی که بین افراد مختلف متفاوتند: این عوامل نتیجه تفاوت در شخصیت انسان ها هستند.

این دسته از موارد به علت شخصی بودن، کمتر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته اند و کمتر می توان به شکل استاندارد شده و در قالبی معین و مشخص طبقه بندی کرد و برای بررسی دسته دوم عوامل ایجاد استرس در افراد باید به نقش ادراک اشاره کرد.

ادراک محیط: «انسان بودن یعنی تلاش دائمی برای درک ...»

می توان گفت اصلی ترین نقش در فهم انسان از محیط را ادراک محیط داراست. «ادراک به طور اعم، به معنای علم و آگاهی انسان از جهان بیرون و دنیای درون اوست و از دیرباز به عنوان اساس شناخت و شناسایی انسان، موضوع بحث فلاسفه بوده است. « احساس استرس در یک محیط بسیار وابسته به شکل ادراک فرد از محیط می باشد. به شکل خلاصه می توان ادراک را فرآیندی دانست که طی آن فرد اطلاعات را از محیط پیرامون، توسط حواس خود، دریافت کرده و پس از آن به وسیله مغز تجزیه و تحلیل و ارزیابی می کند، سه عامل تاثیرگذار بر ادراک نقش بسیار مهمی دارند: (وینترز، ۱۳۸۸)

الف-وضع روحی انسان در آن لحظه و حال و هوای محیط در زمان ادراک؛

ب-خلق و خوی شخصی که چیزی است نقش گرفته و ساخته شده از تمامی تجربیات و وقایع گذشته شخص بیننده؛

پ-عوامل موروثی و زمینه اجتماعی، روانی یعنی عواملی که نه از طریق یاد گرفتن به وجود آمده اند و نه از راه تجربه. این تفاوت ها در افراد سبب می شود که افراد تجربه هایی متفاوت از ادراک یک فضا را داشته باشند. « ادراکات محیطی ممکن است متفاوت از یکدیگر، باشند». از سویی رابرت گیفورد هم چند عامل را برای توجیه دلیل تفاوت ادراک بیان می کند:

الف-عوامل شخصی: مانند تجربه های شخصی، سن، جنس، تعلیم و تربیت.

ب-عوامل فرهنگی

ج-عوامل فیزیکی

در مورد استرس بیان شد که بر طبق یک دیدگاه، الگوی شخصیت تاثیر زیادی در تاثیر عامل محرک بر فرد دارد. از سویی دیگر شخصیت عامل مهمی در نحوه ادراک محیط نیز به شمار می رود. « شخصیت الگوی رفتاری ویژه یک شخص واحد است» یا شخصیت عبارت از مجموعه ویژگی هایی است که باعث تفاوت یا تشابه فرد از دیگران می شود. گیفورد پنج ارتباط بین محیط و شخصیت بر می شمرد:

۱-در برخی تئوری های رفتاری که حتی گمان می رود نقش محیط نادیده گرفته شده به برخی از فاکتورهای ارتباط بین محیط شخصیت توجه شده مانند خصوصیات که باعث درونگرایی یا برونگرایی فرد می شود، هر دو این تقسیم بندی ها به گونه ای به رابطه فرد با محیط اطراف می پردازند.

۲-شخصیت خصوصیات فردی موجب می شود که رفتارهای آشکار محیطی را حدس بزنیم.

۳-جدا از رفتارهایی که توسط تئوریسین های سنتی روانشناسی ارائه شده برخی رفتارها نتیجه بارز محیط است.

۴-بسیاری از رفتارها نتیجه قابلیت تطابق فرد-محیط است، مانند سازگار شدن با سر و صدای محیط.

۵-بسیاری از روش ها و رویکردهایی را که در ماه ها توسط روانشناسان شخصیتی برای فهم انسان ها تکامل یافته است می توان با تغییرات چندین جهت شناخت محیط به کار برد.» (گیفورد، ۱۳۷۸، ۳۴-۳۵)

اثر محیط

ماریو بوتو ارتباط بین یک ساختمان با پیرامون خود را چنین شرح می دهد: هر اثر معماری دارای محیط ویژه مربوط به خود است، به بیانی ساده تر پیرامون این محیط ویژه را می توان بستر ساختمان نامید. ارتباط بین معماری و بستر آن ارتباطی نقش گرفته از یک تاثیرپذیری متقابل است. می توان گفت که این بستر و معماری آن در تماس دو جانبه و همیشگی هستند و همواره با هم در ارتباط اند. (گروتو، ۱۳۹۰، ۱۳۰)

اشتباه خواهد بود اگر محیطی که یک ساختمان را در بر گرفته و بر ادراک ما اثر می گذارد را تنها به عنوان یک محرک بصری تلقی کنیم. برای نمونه ریچارد نویترا به هیچ وجه معتقد نبود که محیط تنها یک زمینه بصری برای ساختمان است. بلکه او به اینکه محیط می تواند اثر مستقیمی بر روان انسان ها داشته باشد اعتقادی راسخ داشت. (همان، ۱۳۱)

محیط

محیط را به شکل ضمنی هر آنچه در اطراف ما است، چه ساخته شده چه طبیعی، می توان نامید. با این وجود تعریف ما از محیط بسته به نوع برداشت و استفاده ما از محیط متفاوت است: «جغرافی دانان زمین آب و هوا، روان شناسان مردم و شخصیت فردی آن ها، جامعه شناسان سازمان های اجتماعی و فرآیندها و معماران ساختمان ها و محیط های باز و منظر را محیط تعریف می کنند.»

جبری نگری معماری

این دیدگاه از نخستین دیدگاه ها در مورد تاثیر معماری بر رفتار انسان بوده است. لنگ در ابتدای کتاب آفرینش، نظریه معماری بیان می کند که بیشتر نظریه های معماری بر این اعتقاد و اساس بوده است که محیط ساخته شده، یکی از عوامل تعیین کننده رفتار اجتماعی انسان بوده است. این دیدگاه در گفتار آلتمن قابل مشاهده است: «محیط و رفتار آن قدر در هم تنیده شده اند که به سختی می توان آن ها را از هم تفکیک کرد. رفتار را نمی توان مستقل از رابطه درونی آن با محیط درک کرد و رفتار را باید در بستری محیطی تعریف کرد.» اما این دیدگاه در واقع نوعی «اعتقاد به جبریت معماری» است. (وینترز، ۱۳۸۸)

لنگ دلیل این اشتباه در تاریخ نظری معماری را بنیان گذاری نظریه های «معماری براساس مدل ساده انگارانه انگیزش-پاسخ» می داند. به این محیط ساخته یا طبیعی محرک و رفتار انسان ها پاسخگوی محرک در نظر گرفته می شود. در واقع ایرادهای دیگری هم بر این دیدگاه وجود دارد: «نخست اینکه با وجود اهمیت عواملی اجتماعی و فرهنگی، این دیدگاه در اهمیت محیط فیزیکی مبالغه می کند. دوم اینکه جبری نگری تاثیرات غیر مستقیم محیطی و تعامل معماری متغیرهای محیطی را که به صورت ترکیبی عمل می کند نادیده می گیرد و بالاخره این که جبری نگری، تعامل میان فرد و محیط را نادیده می گیرد و فرد را منفعل می پندارد...» نکته ای که مد نظر لنگ است در روان شناسی محیطی از تاریخ ۱۹۸۰ میلادی مورد توجه قرار گرفت، رابطه انسان- محیط رابطه ای دو سویه است. هر دو به نوعی بر هم تاثیر گذارده و از هم متأثر می شوند. بنابراین نمی توان صرفا وجوه کالبدی محیط را دلیل بروز رفتارها در انسان دانست. باید همواره این نکته را مد نظر داشت که جز ویژگی های محیطی، عواملی متعدد در شکل گیری رفتار انسان ها در محیط های مختلف وجود دارد. البته ممکن است در طول تاریخ معماری به مواردی برخورد کرد که در یک محیط، آنقدر ناهنجاری اجتماعی اتفاق افتاده باشد که سرانجام مسوولان تصمیم به تخریب آن مکان گرفته اند، اما این نکته همیشه صادق نیست. (لنگ، ۱۳۸۱)

اختیاری نگری محیطی

بل عنوان می کند که جبری نگری به شکل مطلق و ناب باوری مبالغه آمیز است. اختیاری نگری در واقع شکل تعدیل شده ای از جبری نگری است. مطابق این دیدگاه: «محیط عرضه کننده فرصت های رفتاری و نیز عامل ایجاد محدودیت های بالقوه است.» از این دیدگاه محیط معمولا باعث بروز رفتار نمی شود، در این نگرش انتخاب ماست که نقش مشخص کننده را دارد: «اختیاری نگری محیطی، محیط را تنها تعیین کننده رفتار نمی داند، بلکه آن را زمینه ای برای وقوع رفتار می داند.»

احتمالی نگری محیطی

این دیدگاه در واقع حد وسط دیدگاه های جبری نگری و اختیاری نگری است. در این دیدگاه فرض بر این است که: « هر ارگانیزی در هر موقعیت محیطی ممکن است پاسخ های گوناگونی برگزیند.» البته هر رفتاری واجد درجه ای از احتمال است که این درجات احتمال ناشی از تاثیر عوامل غیر معماری و هم ناشی از تاثیر عوامل معماری و طراحی است. با این فرض می توان بروز بعضی از رفتارها را در برخی از محیط ها محتمل تر دانست.

افراد در مقابل کلمه محیط کالبدی، از واژه محیط فرهنگی نیز نام می برند. این نامیدن اشاده به کافی نبودن جنبه کالبدی محیط برای افراد دارد. لنگ اعتقاد دارد: « زندگی انسان در محیط فرهنگی جریان دارد.» محیط های ساخته شده، بخشی از محیط های فرهنگی، زمینی یا جغرافیایی است در واقع مجموعه ای از انطباق پذیرها را شامل می شود که انسان با آن محیط ها ایجاد می کند.

محیط معماری را می توان به این شکل تعریف کرد: « محیط شامل مجموعه ای قرارگاه های رفتاری است که درون یکدیگر قرار گرفته و با هم فصول مشترکی دارند.» عناصر اصلی این قرارگاه های رفتاری، یک الگوی شاخص رفتار و یک محیط فیزیکی می باشد. این نظر شباهت با دیدگاه کریستوفر الکساندر دارد.

الکساندر پس از اشاره به « کیفیتی بی نام» که موجب زنده ماندن بناها و شهرها می شود چنین عنوان می دارد که: « برای تعریف این کیفیت در بناها و شهرها، باید کار را با درک این مطالب شروع کنیم که هویت هر فضا از تکرار مستمر الگوهای خاصی از رویدادها در آن مکان حاصل می شود.»

در کتاب « معماری و راز جاودانگی»، پس از آنکه وجود الگو در رویدادها را فصل قبل مشخص کرده، چنین عنوان می کند که در واقع الگویی فضایی هم وجود دارد که با الگوی رویدادهایی که در آن فضا اتفاق می افتد نسبت مکمل دارد. از ترکیب این هر دو الگو، « الگویی جامع» به وجود می آید که « عنصر متعلق به فرهنگ انسان ها است.»

وی متذکر می شود که گرچه « هر الگوی فضایی الگویی رویدادی دارد که با آن ملازم است» اما « الگوی فضایی علت الگوی رویدادها نیست و بالعکس». (الکساندر، ۱۳۸۶)

محیط فیزیکی را می توان همان ساختار کالبدی دانست که از ترکیب سطوح مختلف در الگوهایی که فضاهای باز و بسته و ساختمان ها را شکل می دهند تشکیل شده است.

روان شناسی منزل مسکونی

موضوعی که در معماری باید به آن توجه ویژه ای داشت، نقش معماری، طراحی به خصوص طراحی داخلی بر روح و روان انسان هایی است که می خواهند از ساختمان یا یک محل اسکان استفاده کنند، به همین دلیل، رعایت نکات روان شناختی در طراحی ها امر بسیار مهمی است که نباید نسبت به آن بی توجه بود. بر این اساس در حال حاضر بسیاری از افراد، به رشته های جدید روانشناسی معماری یا معماری روان شناختی روی آورده اند. «

اصغر دادخواه با تاکید بر اهمیت طراحی و دکوراسیون محل کار و استراحت انسان ها، می افزاید: «طبیعی است که معماران، ساختمان ها را بر اساس اصولی علمی طراحی می کنند. اما طراحی و معماری خانه چه از لحاظ ساخت، چه تزئین و چه جا به جایی، نیازمند دقت عمل براساس ماهیت انسانی است. بر همین اساس، عبارت «Human base» مورد توجه قرار گرفته است، به این معنا که طراحی بنا باید منطبق با اصول خاصی انجام شود؛ چیزی را که می خواهی بسازی برای انسان می سازی بنابراین باید بر اساس و پایه انسانی و بر مبنای تمایلات، روحیه و تامین شادابی و نشاط انسان بنا شود.» به عقیده او، از آنجا که محیط خانه، محلی برای آسایش انسان است، باید در طراحی انواع شکستگی ها در دیوار، فضا، مساحت، رنگ و دکوراسیون و حتی انعکاس صدا به اصل ایجاد آرامش در منزل توجه شود. وی اضافه می کند: «در حقیقت مکان استراحت انسان باید به دور از هرگونه آلودگی اعم از صوتی، هوا، فضا و بو و آلودگی های روحی و روانی باشد. به عبارت دیگر، منزل باید طوری طراحی شود که آلودگی های محیطی را به حداقل برساند تا علاوه بر تامین سلامت جسمی، بعد ارتقای سلامت روحی نیز مورد توجه قرار گیرد. زیرا توجه به مساله روانشناختی طراحی دکوراسیون مکان های استراحت و فعالیت افراد، باعث فراخی دید، قلب و دل انسان می شود. بر همین اساس در طراحی دکوراسیون منزل می بایست ارتفاع سطح، نورگیرها و پله ها به نحوی طراحی شود که در آن فضا احساس خفگی و محدودیت به افراد دست ندهد.» دکتر دادخواه بر لزوم پرهیز از یکسان سازی و توجه به تنوع در دکوراسیون تاکید می کند و می افزاید: «این تنوع در توجه به شکستگی ها در طرح، پستی - بلندی، زاویه ها نمود می یابد.»

اثر تغییرات طراحی و دکوراسیون بر زندگی مردم این روانشناس درباره آثار تغییر وضعیت دکوراسیون و طراحی خانه ها و مکان های استراحت بر زندگی افراد، می گوید:

«استراحت، دو جنبه دارد، یکی از جسمانی است که ناشی از خستگی ماهیچه هاست، اما بخش بزرگی از استراحت، جنبه روحی و روانی آن است.» (کپس، ۱۳۸۹)

نتیجه گیری

تقریباً برای هر فردی تجربه کلافه شدن بر اثر سر و صدا، گرما یا رطوبت و شرحی هوا پیش آمده است. از سویی دیگر گاهی اتفاق افتاده که با ورود به فضا یا مکانی بدون اینکه دلیل خاصی داشته باشد احساس دلهره و اضطراب کند. در روان شناسی محیط مورد نخست با عنوان استرس زاهای محیطی شناخته می شود، عوامل استرس زای محیطی، عواملی هستند که معمولاً به علت تهدید آمیز بودن «ایجاد واکنش عاطفی منفی می کنند.» شدت این واکنش در افراد مختلف متفاوت است. ادراک محیط نقش زیادی در ایجاد احساس استرس دارد. بخشی از عوامل موثر بر ادراک شخصی است مانند تجارب، ژنتیک و ... جدا از عوامل شخصی که بر نحوه ادراک فرد از محیط به عنوان فضایی استرس زا نقش دارد، برخی عوامل ادراکی هستند که ممکن است افراد را درباره محیط اطراف دچار اضطراب کنند.

آزمایشات نشان داده اند که انسان در صورتی که در حالت بی خبری مطلق از محیط اطراف باشد یا اطلاعات رسیده به فرد از محیط اطراف به حدی کم باشد که وی قادر نباشد شناخت از محیط اطراف خود را گسترش دهد، یا از سویی دیگر حجم اطلاعات رسیده به فرد به حدی زیاد باشد که دیگر قادر به تجزیه و تحلیل و پرداخت اطلاعات نباشد دچار حالات روانی نامطلوب مانند احساس کسالت، وحشت بی اساس و کابوس بینی و ... خواهد شد. (گروتر، ۱۳۷۵، ۱۱)

منابع

- الکساندر، کریستوفر، (۱۳۸۶)، معماری و راز جاودانگی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- پالاسما، یوهانی، (۱۳۸۸)، چشمان پوست، معماری و ادراکات حسی، ترجمه رامین قدس، انتشارات گنج هنر و پرهام نقش، تهران.
- کپس، جنورگی، (۱۳۸۹)، زبان تصویر، ترجمه فیروزه مهاجر، چاپ نهم، انتشارات سروش، تهران.
- گروتر، یورگ کورت، (۱۳۹۰)، زیبایی شناسی در معماری، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- لنگ، جان، (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه معماری، انتشارات دانشگاه تهران
- منصور پور، بیتا، عزیزی ارشادی، افسون، دراج، پریسا، (۱۳۹۲)، تاثیر متقابل محیط در نیازهای رفتاری انسان در معماری داخلی، سومین همایش ملی معماری داخلی و دکوراسیون، اصفهان.
- مرتضوی، شهرناز، (۱۳۸۰)، روان شناسی محیط و کاربرد آن، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران.
- وینترز، ادوارد، (۱۳۸۸)، مبانی فلسفی و روان شناختی ادراک فضا، چاپ سوم، ترجمه آرش ارباب جلفایی، انتشارات خاک، تهران.



Interaction of the environment with human behavioral needs in interior design

Marzieh Allahdadi

Faculty member of Industrial design, College of Art, Alzahra University, Tehran, Iran.

M.allahdadi@alzahra.ac.ir

Abstarct:

Considering that among the various theories, the environment is considered as a factor influencing human behavior. With the advancement of knowledge in psychology, the environment is no longer affected by man and his environment. But also interact with the formation of the environment. The reason for this is that human personality and behavior is a discussion of environmental psychology, and if we want to understand human behavior in the environment, we must first understand the mind and the same in the landscape. By recognizing individual characteristics and using obvious environmental behaviors, we can find that individuals have behaviors that are clearly the result of a conflict between the environment and the individual. Issues such as the creation of beautiful and relaxing spaces for the mental and physical security of individuals, as well as how it affects the morale and personality of different people. For this reason, the observation of psychological points in design is a very important thing that should not be overlooked. The results of this study show that the design of interior architecture and interior, in addition to being designed according to scientific principles, but the design of internal architecture, whether in construction or in terms of decorating, requires careful attention to the nature of the human being and the type of behavior and its effect on the environment. Reverse. In the sense that it is based on the tendencies and morale of the person and in accordance with the environmental requirements.

Keywords: Interior design, behavioral needs, environmental psychology.